

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

نگاهی به گنه اهداف ایالات متحده و ناتو در کشور ما

اهداف تاکتیکی کوتاه مدت و اهداف ستراتیژیکی طولانی مدت
توجیهاتی در عرصه مبارزه "علیه تروریسم بین المللی"

آیا دستیابی به اهداف تعیین شده ممکن بنظر می‌رسد؟
آیا وسیله هدف را توجیه می‌نماید یا برعکس؟
چگونگی‌ها و چون و چراها در مورد
بررسی‌های کلی در اینباره

این یادداشت، بصورت کلی به بررسی وجوهات و گنه اهداف و توجیهات و توصیه‌هایی در بکارگیری هر نوع وسیله ممکن، از جمله نابودی و از بین بردن رقیب و استفاده از شیوه‌های خدعه و فریب برای رسیدن به قدرت و حفظ آن اختصاص داده شده است که در نتیجه مبدل به تابلوی مستبدین بمنظور توجیه ستم و تجاوز سبب گردید که امروزه مردم دنیا سیاست را با حقه و نیرنگ و فریب مترادف می‌پندارند.

همه باهم در این امر توافق نظر دارند که یک نظریه زمانی درست شمرده شده و قابل تطبیق پنداشته می‌شود که کار آبی داشته و از نظر اجتماعی مفید ثابت گردد. در پاسخ به این پرسش که معیار درست بودن یک قضیه در چه نهفته می‌باشد، جواب اینست که مبتنی بر سودمندی و کارآمد باشد. یعنی یک اندیشه آنگاه درست است که بکار آید و مشکلی را بگشاید. بکار آمدن، تنها معیار درست بودن اندیشه‌ها پنداشته می‌شود. واقعیت نه یک چیز ثابت و استوار، بلکه یک جریان پیوسته در حال تغییر و تحول محسوب می‌گردد. اندیشه درست نتایج خوب و اندیشه خطا نتیجه بد بدنبال دارد. حقیقت چیزی است که از دیدگاه انسان کارآمد باشد. بسخن دیگر، یعنی اینکه درباره هر نظریه یا آموزه‌ای، بر پایه نتایجی که از آن بدست می‌آید، باید داوری صورت گیرد.

در نخست قبل از طرح سایر مسایل، یادآوری این مطلب لازمی بنظر می‌رسد که مجموعه این یادداشت، بصورت کل به بررسی وجوهات و گنه اهداف مطروحه گردانندگان ماشین جنگی غرب در کشور ما اختصاص داده شده. در اینجا بگونه معمول این پرسش مطرح بحث قرار داده می‌شود که آیا هدف هر وسیله‌ای را توجیه می‌نماید؟ در مورد سیاست و شیوه‌های "توجیه وسیله توسط هدف" بسیار هم گفته اند و هم نوشته اند. ولی متأسفانه توجیهات و توصیه‌هایی در بکارگیری هر نوع وسیله ممکن از جمله نابودی و از بین بردن رقیب، کنون معمول گردیده است. هر چند این شیوه و سیاست پیشینه بسیار قدیم دارد.

بررسی ها و تحلیل های کارشناسان مسایل مربوطه در کشورهای مختلف جهان، بگونه منحصر بفردی بر بنیاد این وا
قعیت استوار می باشد که اهداف و وظایف واقعی ایالات متحده و ناتو، بصورت یک کل، پایه گذاری و ایجاد ژاندارم
ژئوستراتیژیکی، ژئوپولیتیک و استقرار مهمترین پایگاه های نظامی در قلب منطقه اورو- آسیا، در اراضی افغانستان و در
تمامی منطقه شرق میانه می باشد.

بنابراین، "جنگ علیه تروریسم"، بمثابة بهانه ای بمنظور توجیه حضور نامحدود ماشین سازماندهی جنگ ایالات
متحده - ناتو در منطقه محسوب می گردد. حوادث و واقعات ۱۱ سپتامبر و آغاز "مبارزه علیه تروریسم بین المللی" به ای
لات متحده این فرصت را میسر نمود تا به ایجاد و استقرار ۱۹ پایگاه نظامی در شرق میانه و آسیای مرکزی مبادرت ورزد
که در نتیجه برای نخستین مرتبه، نظامیان امریکایی در کشورهای سابق شوروی پا بعرصه وجود گذاشته و حضور بهم
رسانند.

در این برهه زمانیست که بارک اوباما در زمان تصدی پست ریاست جمهوری ایالات متحده، در صدد شد تا بخشی
از نظامیان کشورش را از عراق فراخوانده و بعوض، به کشور ما اعزام نماید. در چنین وضعیتی، هیچکسی چنین پرسشی
را حتا مطرح هم ننمود که آیا واقعن، ایالات متحده در صدد اداره و کنترول کشور ما می باشد؟
مزید بر آن، این موضوع قابل تذکر پنداشته می شود که ضرورت همه جانبه حفظ ثبات در اراضی کشور عزیز ما و
مبارزه پیگیر و متداوم علیه تهدیدات موجود و در حال گسترش در کشور، در واقعیت امر، تحفه ایست به پنتاگون که همه
ساله به کانگرس آن کشور تقاضای از دیاد مصارف جنگی و تصویب بودجه نظامی را مطرح نماید.
قابل تذکر پنداشته می شود که بیشترین بخش هزینه های نظامی در افغانستان، بگونه خاصی در تطبیق و اجرای عملی
برنامه های نهایت سری شرکت های عمده و کلیدی نظامی - صنعتی امریکایی به مصرف رسیده و بدین ترتیب، هزینه
های تأدیه شده توسط مالیه دهندگان امریکایی فراتر از اقتصاد آن کشور خواهد رفت.

این، بخودی خود، در شرایطی که آن کشور در بحران عمیق مالی دست و پا می زند، مطابق منافعش خواهد بود، بحرا
نی که آنها خود، بویژه طی بیشتر ازی سال پسین، سبب پیدایش آن شده و کنون سراسر جامعه امریکایی را سرتاپا فرا
گرفته است. نحوه تحرکات نظامیان ایالات متحده - ناتو در افغانستان و حقایق سرسختی بازگویی این اصل می باشد که
در نظر دارند تا کشور مستقل و آزاد ما را به پولیگون آزمایش سلاح های مخرب و به عرصه ای بمنظور سازماندهی
جنگ های نامنظم ایالات متحده و اقمارش تبدیل نمایند.

کشور عزیز ما افغانستان به لطف موقعیت جغرافیایی اش برای ایالات متحده و ناتو بمنظور استقرار و جابجایی تأسیسات
گروه های تهاجمی، از حیثیت و جایگاه مهم راهبردی برخوردار می باشد. در این مورد متذکر باید گردید که از همان نخستین
مراحل ورود قوت های نظامی ایالات متحده و ناتو به کشور ما، در اطراف و گردنواح و منطقه های مربوط به میدان های
هوایی شنیدند و بگرام، اقدامات وسیع و تحرکات گسترده ای بمنظور ایجاد و ساخت و ساز تونل ها و اعمار ساختمان های
زیر زمینی آغاز گردید که در نوع خود عظیم و بسیار گسترده بوده و با تکمیل و بسر انجام رسیدن آن، یکی از وظایف عمده
و مهم ایالات متحده - ناتو در اراضی کشور ما در منصفه عمل تطبیق گردید. میدان های هوایی شنیدند و بگرام به بزرگترین
پایگاه های نظامی ایالات متحده مبدل گردیده که مجهز به وسایل پیشرفته نظامی و سیستم های دفاعی فضایی بوده و قادر
به نظارت و کنترول فضا و منطقه های وسیعی از کشور ما و کل منطقه می باشد.

نبود و عدم ثبات در قلمرو کشور ما به ایالات متحده این فرصت را میسر می نماید تا با هزینه های اندکی، نا آرامی ها
را به مرزهای چین انتقال و در ایجاد و صدور بی ثباتی به کشورهای هند، ایران، پاکستان و... نیز مبادرت ورزیده و
کشور های آسیای میانه و آسیای مرکزی را غرق در تشنج نماید. در این زمینه سعی بعمل می آید تا کشور ما به بزرگترین
محل تولید و تهیه مواد مخدر مبدل گردیده تا از این طریق هزینه های بقای گروه های فراملیتی مالی - سیاسی و تداوم "انقلاب
های رنگین"، انجام و بسر رساندن کودتا های نظامی و تقویه و تسلیح و تجهیز گروه های تشدد طلب و تروریستی در سراسر
جهان تأمین گردد.

در چنین حالتی، ایالات متحده بدلیل موقعیت جغرافیایی اش در آنسوی اقیانوس ها، خود را از گزند ها و خطرات عابده
از تولید و تهیه مواد مخدر مصون پنداشته و از تهدید های تمامی موارد قبیل صدور تشنج، تروریسم مواد مخدر، اقتصاد مواد
مخدر و استفاده از آن خویش را در امان دانسته و چنین تصور می نماید که افغانستان و کشورهای همجوار آن در این مصیبت

گرفتار می گردند.

بدین ترتیب، انتظار شکست و عدم موفقیت های قریب الوقوع ایالات متحده و ناتو در افغانستان، غیر حرفه ای بحساب می آید، چه چنین حالتی برای کشور ما و در مجموع برای کل منطقه پیامدهای منفی ذیل را بدنبال خواهد داشت:

ایالات متحده به ایجاد پایگاهها و استقرار تأسیسات نظامی در جمهوری های سابق شوروی مبادرت خواهد ورزید که این خود به آن کشور اجازه می دهد تا میدان های هوایی نوع خودش را بمنظور اهداف خاص نظامی اعمار نماید، خصوصیت های منحصر بفرد کشورهای یاد شده را درک و بر تمامی فضا و منطقه هوایی مسلط و حاکم گردد، این اولن؛ درگام بعدی، انتقال و استقرار وسایل و آلات مورد ضرورت در پایگاههای اجاره شده بمنظور نظارت بر تأسیسات مهم روسیه، بویژه تحت مراقبت قرار دادن تأسیسات اقتصادی - نظامی در اورال و سایبرییا، این ثانین.

بدین ترتیب، افغانستان سرپایان نظامی بگفته عده ای از کارشناسان، برای روسیه و متحدان آن کشور خطراتی را بیارخواهد آورد که با تهدیدات بوجود آمده از بحران کارائیب برای ایالات متحده طی سال ۱۹۶۳ در کیوبا برابری می نماید.

افزایش پایگاههای نظامی و استقرار گروه بندی هایی توسط ایالات متحده در این مورد در جاپان، کوریای جنوبی و برخی از کشورهای دیگر و ایجاد پایگاههای نظامی در آسیای میانه، چنین فرصتی را به ایالات متحده میسر و مهیا می نماید تا نظارت و کنترلش را بر بخش هایی از قاره آسیا و همچنان از طریق بحرالکاهل و بحر هند دیدبانی اش را بر تمامی محلات و مناطق نظامی - ستراتیژیک تمامی کشورهای آسیایی تأمین نماید.

متذکر باید گردید که تحت شرایط خاص و مشخصی، پایگاههای نظامی ایالات متحده در آسیای مرکزی، همراه با بخش هایی از قوای هوایی آن کشور در کوریای جنوبی و جاپان را می توان حداقل بگونه فاکتورهای نیرومند فشار بر روسیه، چین، ایران، پاکستان و هند، بویژه با حادث گردیدن وضعیت نظامی - ژئوپولیتیکی بشمار آورد.

علاوه بر آن، حضور نظامی و حربی ایالات متحده، ممکن برای کشور نامبرده امکان بهره برداری از تضادهای موجود منطوقی بمنظور دفاع و پشتیبانی از سازمان ها و دسته بندی های مختلف به هدف تأثیر گذاری بر حاکمیت های سیاسی و دول کشورهای منطقه را فراهم نماید.

در ضمن، تلاش ها بمنظور سؤاستفاده از وضعیت توسط ایالات متحده از طرق مختلف و در بالاترین سطوح قدرت نیز انجام می گیرد.

در این بخش، بيمورد نخواهد بود تا اندکی هم درباره شرکای بازی موجود سخن گوئیم.

در حال حاضر، زمانی که کاخ سپید، ستراتیژی مربوط به کشور ما را مورد بررسی جامع قرار می دهد، درسند مربوطه باید گزارشات در مورد نحوه ضعیف سترمرزهای کشور ما نیز مطرح بحث قرار داده شود، چه از طریق همین مرزهاست که وسایل و سلاح و تجهیزات مورد نیاز قوت های نظامی ایالات متحده - ناتو انتقال می یابد.

قابل تذکر پنداشته می شود که امکانات وسیع و گسترده ای در زمینه همکاری میان کشورهای منطقه، بویژه در عرصه انتقال دانش و تقویت ظرفیت سازی خدمات گمرکی و مرزی عملن موجود می باشد. پس از آنکه دولت قزاقستان، ریاست دوره بی سازمان امنیت و همکاری اروپا را بر عهده گرفت، آستانه قبل از همه در صدد همکاری با ایالات متحده در زمینه تأمین ثبات در افغانستان و منطقه گردید.

برای قزاقستان، مرزهای آن کشور با افغانستان، از لحاظ امنیتی قابل اعتماد نمی باشد. جنایات سازمان یافته و عناصر و موارد مخرب دیگر نیز از طریق همین مرزها به داخل کشور قزاقستان انتقال می یابند که نه تنها سیاست منطقه را دچار بحران و آشفتگی می نماید، بلکه بصورت قطع اقتصاد واقعی را تضعیف نموده و به امر تجارت نیز ضربه وارد می نماید. در عین زمان واشنگتن و کشورهای اروپایی به گونه ای از آینده سازمان امنیت و همکاری اروپا در تشویش بوده و نگرانی شان را در زمینه پنهان نمی نمایند.

ساختار وسیع و گسترده امنیتی منطقه از موجودیت مشکل و سوالی که پس از پایان جنگ سرد مبنی بر اینکه در آینده چه باید کرد؟ عرض وجود نمود، واقعن در رنج و عذاب بسر می برند. چنین وضعیتی در نوع خود، مشکل مشروعیت را تشدید می نماید. بسیاری از کشورهای عضو سازمان متذکره، ضروریات و تقاضاهای سازمان را در زمینه دموکراسی، حقوق بشر و آزادی وسایل اطلاعات جمعی اصلن در نظر نگرفته و مراعات نمی نمایند.

هر چند در اروپا تعداد کشورهایایی که با کار و فعالیت سازمان امنیت و همکاری اروپا همونوا بوده خواهان تداوم کار و

فعالیتش بگونه معنا داری می باشند، چندان قابل توجه شمرده نمی شوند، اما چنین می پندارند که اجرای وظایف و مسولیت ها در زمینه تأمین امنیت مرزها به سود ایالات متحده و ناتو بوده و افغانستان نیز از آن نفع خواهد برد. نباید فراموش خاطر ما گردد که بدون شرکت و سهمگیری فعال و همه جانبه سایر بازیگران منطقوی در حل و فصل قضایای کشور ما و بدون موجودیت طرح های ابتکاری در زمینه یادشده، دورنما و سیر حوادث چندان واضح و روشن بنظر نمی رسد. در اینمورد، فدراتیف روسیه از جانب مرزهای جنوبی اش، بویژه در مورد نفوذ عناصر و موارد تشدد طلب و تخریب کاری های گروه های تروریستی و قاچاق مواد مخدر، نگران می باشد، چه با تشدید فعالیت های اینچینی و انتقال جرایم سازمان یافته به قلمرو آن کشور، وضعیت امنیتی در اراضی آن مورد تهدیدهای جدی قرار داده خواهد شد.

همکاری های منطقوی را از نقطه نظر دیدگاه فراملتی باید سازمان داده و ترتیب و تنظیم نمود. ناتو در کشور ما مشغول انجام عملیات های نظامی و جنگی می باشد. چندی قبل اتحادیه اروپا طرح ابتکاری تحت عنوان "سیاست همجواری" را مطرح نمود که در آن، امنیت مرزی در دستور کار قرار داده شده و به اولویت کاری آنها مبدل گردید، اما تا هنوز نتایج حاصله در مورد، قناعت بخش محسوب نمی گردد. همچنان در زمینه پیشنهادی توسط ایالات متحده و قزاقستان بمنظور استقرار و تأمین امنیت وسیع و سراسری مرزهای افغانستان با آسیای میانه، پیشکش گردید که بصورت قطع در اینمورد، علاقمندی اتحادیه اروپا را نیز در پی داشت.

رفع تقاضاهای روز افزون قوت های نظامی ایالات متحده در اراضی کشور ما، بگونه عمده از طریق قزاقستان و از مسیر ازبکستان و ترکمنستان تأمین می گردد. اما نبود ثبات و موجودیت برخوردها و تصادمات خونین میان گروه های مسلح، سبب گردید تا امر داد و ستدهای تجاری، بگونه کاملن متفاوتی صورت گیرد.

تلاشهای انجام شده در زمینه آنها در داخل کشور هنوز بسنده نبوده، بلکه باید سعی بیشتری در مورد بخرچ داده شود. قبل از همه، زمانی می توان در این عرصه موفق بوده و نتایج ثمر بخشی از فعالیت های تکوین پذیرفته بدست آورد که در تحکیم امنیت سراسری منطقه و بویژه در امر ثبات و امنیت همکاری های منطقوی سعی همه جانبه صورت گیرد. این واقعیت بهمه واضح و مبرهن است که تأمین ثبات و امنیت سراسری در کشور عزیز ما، برفع شورای امنیت و همکاری اروپا، اتحادیه اروپا، ایالات متحده، ناتو، فدراتیف روسیه و برفع تمامی کشورهای منطقه، بدون در نظر داشت موجودیت ضد و نقیض هایی میان آنها می باشد.

ایالات متحده، هیچگاهی از بکارگیری و استفاده از فرصت های ایجاد شده و پدید آمده بمنظور تطبیق و اجرای عملی طرح های ابتکاری اش در عرصه منافع ملی آن کشور نباید سهل انگاری ورزد.

هفتم ماه جولای سال ۲۰۱۸